

یک استثنا به نام «مصطفی چمران»

گفتن، خواندن و نوشتن از قهرمانان دفاع مقدس لذت خاصی دارد.



گفتن، خواندن و نوشتن از قهرمانان دفاع مقدس لذت خاصی دارد. دکتر مصطفی چمران یکی از بزرگ ترین قهرمانان جنگ است که در همه زمینه ها و ابعاد شخصیتی خودسازی کرده بود. شناخت شهید چمران در ابعاد مختلف درس های زیادی برای آموختن دارد. او در تحصیل، زندگی شخصی و اجتماعی، مجاهدت و تقوای انسانی شاخص و ممتاز بود و حضورش غنای خاصی به جبهه های مان می بخشید.

به گزارش ایسنا، احمد محمدتبریزی در ادامه یادداشت خود در روزنامه «جوان» نوشت: معمولاً می گویند چریک ها در سراسر دنیا عمرشان را وقف مبارزه می کنند و خیلی به تحصیل و دانش علاقه نشان نمی دهند، اما دکتر چمران از این قاعده مستثنی است و روی آگاهی، علم اندوزی و تخصص خودش وقت زیادی گذاشته بود. اصلاً شاید این سؤال برایتان پیش بیاید کسی که سال ها در بهترین دانشگاه های دنیا درس خوانده، می تواند قید همه چیز را بزند و به تمام این امکانات پشت کند و چریک شود؟ در جواب باید گفت بله، استثنایی مثل مصطفی چمران پیدا می شود که در بهترین موقعیت شغلی و در راحت ترین شرایط زندگی تمام این ها را پشت سر بگذارد و به یاری مستضعفان و ضعیفان بشتابد. دقیقاً به خاطر همین موارد، چمران یک نمونه شاخص است. او آگاهانه از تمام مواهب زندگی در امریکا دست کشید و با تفنگی در دست و لباسی خاکی بر تن، مبارزه و جهاد را انتخاب کرد.

چمران این مسیر را نه از روی احساس بلکه از روی آگاهی انتخاب کرد. او می دانست مسیر خودسازی و سعادتش در مجاهدت و دستگیری مظلومان است. شهید چمران با علم به تمام سختی ها گام در راهی سراسر سختی گذاشت، ولی از دید خودش او جز زیبایی چیزی دیگری نمی دید. از دید ناظر بیرونی این مسیر سخت و پر از رنج بود، اما چمران این راه را محلی برای خودسازی، رشد و نزدیکی به معبودش می دانست.

نیایش های دکتر چمران به خوبی انتخاب آگاهانه او را نشان می دهد: «چه خوش است دست از جان شستن و دنیا را سه طلاقه کردن، از همه قید و بند اسارت حیات آزاد شدن، بدون بیم و امید علیه ستمگران جنگیدن، پرچم حق را در صحنه خطر و مرگ برافراشتن، به همه طاغوت ها نه گفتن، با سرور و غرور به استقبال شهادت رفتن.» کسی که دنیا را سه طلاقه کرده، جنبه های ظاهری و مادی برایش چه ارزشی دارد. چنین انسانی به دنبال بالاتر از این مسائل می گردد و متوجه شده راه رشد و سعادت کجاست.

مرور نیایش های شهید چمران اوج عظمت و بزرگی این مرد را نشان می دهد. گفت وگویی عاشقانه او را با خدا نشان از دلدادگی و جان سوختگی عمیق این فرمانده دارد. کسی که، چون شمع می سوخت و به دیگران نور و گرما می بخشید. بسیاری از نیروهای مردمی اول جنگ، جذب شخصیت، مهربانی و بزرگی دکتر چمران می شدند و وجود فرمانده جنگ های نامنظم جذابیت زیادی برای نیروها داشت. فرمانده ای که بین نیروها تبعیضی قائل نبود و همچون عارفان هر کدام از نیروها را نشانه ای از لطف و محبت خدا می دانست. شهید چمران نشانه ای بود برای آدم های دیگر، نشانه ای که می توان طور دیگری زندگی کرد. او راه و رسم خدایی زیستن را به همه آموخت و نشان داد چگونه در رنج و سختی می توان مسیر رشد و بزرگی را پیدا کرد.

دکتر چمران برای شهادت و دیدن معبود لحظه شماری می کرد و شهادت را زیباترین لحظه حیاتش می دانست. شهید چمران در نیایشی عاشقانه خطاب به جسم خسته اش چنین می نویسد: «ای پاهای من! سریع و توانا باشید. ای دست های من! قوی و دقیق باشید. ای چشمان من! تیزبین و هوشیار باشید. ای قلب من! این لحظات آخرین را تحمل کن. به شما قول می دهم که پس از چند لحظه، همه شما در استراحتی عمیق و ابدی آرامش بیابید، من دیگر شما را رنج نخواهم داد. دیگر به شما بی خوابی نخواهم داد و دیگر شما از خستگی فریاد نخواهید کشید.»